

جشن دوازدهمین سالگرد جلوس گارگین دوم بر تخت رهبری دینی آرامنه جهان



صاحب امتیاز و مدیر مسؤول:
لئون آهارونیان

دبیر تحریریه: روبرت صافاریان

شورای نویسندگان:

کارمن آذریان
لیا خاچکیان
گارون سرکیسیان
آرمینه ملیک ایسرائیلیان

مدیر هنری: لیا خاچکیان

ویراستار بخش فارسی: نسیم نجفی

وب سایت: کاجیک صافاریان

ورزش: آرمان در استپانیان

اشتراک: کاترین یعقوبی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین
ولی عصر و فلسطین، شماره ۱۰۴۸

تلفن: ۶۶۴۹۵۱۸۰
۶۶۴۹۲۶۹۳

تله-فاکس: ۶۶۴۹۵۲۰۸

نشانی وب سایت:

www.hooys.com

وب سایت فارسی:

http://farsi.hooys.com

پست الکترونیکی:

hooys@inbox.com

در این شماره

۲	در صفحات ارمنی این شماره
۳	بررسی نقش ادیان الهی در عرصه نشر و کتابخوانی
۴	بازگشت روبرت کوچاریان؟ تورج خسروی
۵	گزارش نشست تخصصی مناسبات ایران و ارمنستان در بنیاد مطالعات قفقاز تورج خسروی
۸	جشن دوازدهمین سالگرد جلوس گارگین دوم بر تخت رهبری دینی ارامنه جهان
۱۰	هنر معاصر ارمنی: گارزو
۱۲	عوامل بی ثباتی در قفقاز و رویکردهای امنیتی (قسمت دوم) محمود واعظی

بخش ارمنی

۲	جامعه ارامنه ایران
۳	دردسره‌های ساختمان نوساز مدرسه تونیان
۵	کارمن آذریان اسرائیل در برابر مفر کلیسای ارامنه در بیت المقدس
۶	سیرانوش پاپیان ارمنستان: تظاهرات معلولین سیرانوش گئورگیان

8

۸	روزنامه حزبی یا عمومی؟ روبرت صافاریان
۸	دانستنی‌هایی درباره آلیک
۱۲	آلیک به روایت سایت روزنامه

۱۳	به مناسبت سالگرد تولد گارگین دوم رهبر دینی ارامنه جهان لئون آهارونیان
۱۵	موفقیت نوجوان ارمنی-ایرانی در جشنواره تئاتر "دانه انار" ایروان
۱۶	به مناسبت ۱۲۵ سالگی تئاتر جلفای اصفهان نیکید میرزیانوس
۱۸	سلطان جاز: ویگن دردریان خاچیک خاچر
۲۰	مصاحبه با خواننده محبوب ایوتا کاترین یعقوبی
۲۲	آشپزی: رولت خرما
۲۳	توصیه‌های خانه‌داری
۲۴	ورزش
۲۶	آرمان در استپانیان سرگرمی

گوشه‌هایی از آنچه در صفحات ارمنی این شماره هویس آمده است

هم حضور فعالی داشته و در نهضت مشروطه در کنار دیگر مشروطه‌خواهان ایرانی مشارکت کرد. در سال‌های حکومت شوروی در ارمنستان و تبعید حزب از وطن، مبارزه با شوروی خط مشی اصلی دانشک‌ها بود و به همین سبب در سال‌هایی جنگ سرد نیز در کنار نیروهای غربی و حکومت‌های هوادار آن‌ها به ضدیت با گروه‌های چپ ارمنی پرداختند. با چنین پیشینه‌ای معلوم است که کمترین سخنی از یک روش مدارا با گروه‌های دیگر نمی‌توانست در میان باشد و رابطه دانشک‌ها با سایر نحل‌های سیاسی ایران که با اغماض می‌توان همه رازیر عنوان "چپ" دسته‌بندی کرد، گروه‌هایی که خود با پیروی از مسلک انقلابی به نوعی دیگر در تسامح و تساهل دست کمی از دانشک‌سوتیون نداشتند، همیشه با خصومت متقابل همراه بوده است. بازتاب همه این‌ها را در خط مشی روزنامه آلیک می‌توان مشاهده کرد.

واقعیت این است که آلیک روزنامه‌ای حزبی است که می‌خواهد وظایف یک روزنامه اطلاع‌رسان همگانی را هم در جامعه ارمنه ایران تحقق بخشد و این شدنی نیست. یک روزنامه عادی باید بتواند همه اخبار مهم جامعه ارمنه و ارمنستان را با ملایم اهمیت خبری آن‌ها پوشش دهد و این کاری است که آلیک از عهده آن بر نمی‌آید. برای نمونه مینیاتورهایی از موزه وانک جلفا دزدیده می‌شود و این خبر انعکاس وسیعی در رسانه‌های ارمنه ایران و در تا حدودی در مطبوعات ارمنستان پیدا می‌کند، اما آلیک به انتشار اطلاعیه رسمی شورای خلیفه‌گری اصفهان بسنده می‌کند و جز این در آن هیچ مقاله، گزارش یا مصاحبه‌ای درباره این واقعه نمی‌توان یافت. یا ممکن است در ارمنستان تظاهرات گسترده‌ای از سوی احزاب اپوزیسیون برگزار شود، اما در آلیک هیچ انعکاسی نیابد یا انعکاس اندکی داشته باشد. دلیل این امر البته به این برمی‌گردد که در صحنه سیاسی ارمنستان، روابط حزب دانشک‌سوتیون و هاک (کنگره ملی ارمنی) به رهبری لئون تریطروسیان تیره است و این امر باعث می‌شود تنها روزنامه جامعه ارمنه ایران نتواند وظیفه اطلاع‌رسانی عادی یک رسانه همگانی را انجام دهد.

دیگر این که آلیک به تبع ارگان حزبی بودن خود ماهیتاً از انعکاس اندیشه‌های مخالف مشرب



آلیک نوجوانان (۱۳۴۸-۱۳۵۷) و ضمیمه ادبی صفحه ۴۰۴ (۱۳۶۸-۱۳۸۲) اشاره کرد. در حال حاضر نیز ضمیمه‌ای به عنوان *خاچمروک* (چهارراه) منتشر می‌کند. انتشار منظم آلیک طی هشت دهه دو بار به اختلال دچار شده است. نخستین بار در سال ۱۳۲۰ به مدت سه چهار ماه به سبب وضعیت نامعلوم سال‌های اشغال ایران از سوی متفقین و یک بار دیگر در اوج انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به سبب مشارکت روزنامه در اعتصاب سراسری ۶۲ روزه مطبوعات کشور.

آلیک ارگان رسمی حزب دانشک‌سوتیون (نام کامل: *های هقا‌پخاکان دانشک‌سوتیون*)، یعنی فدراسیون انقلابی ارمنی) است و بررسی عملکرد و روش آن بدون توجه به این واقعیت شدنی نیست. حزب دانشک‌سوتیون در سال ۱۸۹۰ با هدف خودمختاری ولایات ارمنی‌نشین شرق امپراتوری عثمانی تأسیس شد و نقش مهمی در تاریخ معاصر ارمنه بازی کرد. چنان که از نام آن پیداست تفکر و روش انقلابی داشت و این تفکر و روش را بعد از فروپاشی نخستین جمهوری ارمنستان (۱۹۱۸-۱۹۲۰) که دانشک‌سوتیون حزب حاکم آن بود و استقرار جمهوری شوروی با خود به دیاسپورای ارمنی آورد. دانشک‌سوتیون از همان آغاز شکل‌گیری خود در ایران و میان ارمنه ایران

آلیک (موج)، تنها روزنامه ارمنی‌زبان ایران و دومین روزنامه قدیمی کشور، هشتاد ساله شد. به این مناسبت مراسم متعددی در جامعه ارمنه کشور برگزار شده و می‌شود. در ارمنستان نیز وزارت دیاسپورای آن کشور هشتادسالگی آلیک را به عنوان یکی از قدیمی‌ترین روزنامه‌های دیاسپورا جشن گرفت. موضوع اصلی این شماره هویس نیز به ارائه اطلاعات اولیه درباره این روزنامه و نقد آن اختصاص یافته است.

نخستین شماره آلیک در آغاز سال ۱۳۱۰ شمسی به سردبیری هوسپ تادئوسیان (برادر کریستاپور میکائیلیان، یکی از سه بنیان‌گذار حزب دانشک‌سوتیون) منتشر شد. مدیر مسؤول روزنامه دکتر وارتان هوانسیان بود که به مدت بیست سال در این سمت باقی ماند. آلیک چهار سال به صورت هفته‌نامه‌ای چهار صفحه‌ای منتشر می‌شد. بعد تا ۱۳۲۰ یک روز در میان (هفته‌ای سه شماره) منتشر می‌شد و از این تاریخ به بعد تا امروز به صورت روزنامه منتشر شده است. روزنامه آلیک بیست سال صبح‌ها منتشر می‌شد و از سال ۱۳۳۹ به روزنامه عصر تبدیل شد. آلیک در کنار انتشار نشریه اصلی ضمیمه‌ها و نشریات وابسته‌ای هم داشته است که از میان آن‌ها می‌توان به ماهنامه آلیک (۱۳۴۰-۱۳۴۲)، دوهفته‌نامه

بررسی نقش ادیان الهی در عرصه نشر و کتابخوانی گله نمایندگان اقلیت‌ها از بی‌توجهی رسانه ملی



روز سه‌شنبه ۲۴ آبان مصادف با عید قدیر خم، مراسمی به منظور بررسی جایگاه و نقش فرهیختگان ادیان توحیدی در زمینه توسعه نشر و فرهنگ کتابخوانی، با حضور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس شورای اسلامی، اعضای انجمن‌های اقلیت‌های دینی کشور و جمعی از ناشران و نویسندگان اقلیت‌های دینی در سرای اهل قلم برگزار شد. مراسم یادشده چهارمین دور نشست‌های بررسی نقش اقلیت‌های دینی در عرصه نشر و کتابخوانی بود که چند سال است در چارچوب برنامه‌های هفته کتاب برگزار می‌شود. سعید تقوی، مسئول دفتر امور اقلیت‌ها، در ابتدای جلسه ضمن خیر مقدم به حاضران، خبر ناگوار درگذشت سپوه امیرخانیان، مدیر انتشارات نائیری را به اطلاع حاضران رساند و به این مناسبت یک دقیقه سکوت اعلام کرد.

سپس آلبرت کوچویی، روزنامه‌نگار قدیمی و رئیس انجمن آشوریان تهران، لینا ملک‌میان، نویسنده کتاب *تعاملات و تشابهات فرهنگی بین ایران و ارمنستان*، همایون سامیه رئیس انجمن کلیمیان تهران، و یکی از موبدان زرتشتیان سخن گفتند و هریک نقش جامعه دینی و قومی خود را در اعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی تشریح کردند.

دو سخنران بعدی، اسفندیار اختیاری، نماینده زرتشتیان و یوناتان بت کلیا نماینده آشوریان در مجلس شورای اسلامی، از بی‌توجهی برخی مسئولان و به طور خاص صدا و سیمای جمهوری

اسلامی به ایران‌گله‌گذاری و انتقاد کردند. اختیاری در سخنان خود تاکید کرد که ایران به معنای مجموعه اقوام و ادیانی است که ملت بزرگ ایران را می‌سازند و نادیده گرفتن هریک از آنها می‌تواند خسران‌های بزرگی به بار آورد و موجب سوء استفاده دشمنان شود. روی سخن بت کلیا به مهندس عزت‌ا... ضرغامی، رئیس صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بود. نماینده آشوریان در مجلس شورای اسلامی از بی‌توجهی رسانه ملی در معرفی اقلیت‌های دینی و انعکاس اخبار مربوط به آن‌ها انتقاد کرد. بعد از این سخنان، نماینده انجمن کلیمیان نیز درباره نمایش فیلم *شکارچی شنبه* که به گفته او جنبه ضدیهودی دارد سخن گفت و از نمایش احتمالی این فیلم به صورت سریال در تلویزیون اظهار نگرانی کرد. آندرانیک سیمونیان، رئیس بخش زبان و ادبیات ارمنی دانشگاه آزاد نیز نگرانی‌های یادشده را مورد تأیید قرار داد و اظهار امیدواری کرد که با توجه مسئولان امر به این گله‌ها، سوء استفاده تبلیغاتی دشمنان ایران خنثی شود.

بهمین درّی، معاون وزیر و ارشاد اسلامی در امور فرهنگی، در پایان مجلس سخنرانی کردند و ضمن تاکید بر حمایت وزارت ارشاد اسلامی از ناشران اقلیت‌ها، خواهان فعالیت بیشتر اقلیت‌ها در حوزه نشر و کتاب شدند. ایشان در عین حال قول دادند که گله‌های مطرح شده از سوی نمایندگان اقلیت‌ها را به مسئولان منتقل کنند و مورد بررسی قرار دهند.

حزب متبوعش ناتوان است. علاوه بر این حتی از پوشش خبری برنامه‌های انجمن‌های غیر خودی و فعالیت‌های شخصیت‌های فرهنگی و هنری ارمنی در سطح جامعه بزرگ ایران اگر به گمانش از مخالفان حزب باشند پرهیز می‌کند. تأکیدها مکرر سردبیران/لیک و رهبران حزب بر این که این روزنامه نمی‌خواهد تنها ارگان حزبی باشد بر این گواهی می‌دهد که آن‌ها خود به این تضاد بین ارگان حزبی بودن و نقش یک رسانه عمومی را بازی کردن واقفند. اما به نظر نمی‌رسد که این تناقض راه حل قاطعی داشته باشد. جالب است که برخی از بخش‌های فرعی روزنامه مانند بخش آگهی‌های بازرگانی و آگهی‌های ترحیم خدماتی به جامعه ارمنه ایران ارائه می‌کنند که به درد همه جامعه می‌خورد و کارکرد غیر حزبی و غیرسیاسی همگانی دارد. اما حتی در زمینه آگهی‌های بازرگانی نیز که در ازای پول چاپ می‌شوند، روزنامه اگر احساس کند مؤسسه‌ای که باید تبلیغ شود صاحبش از دید ملاک‌های حزب "عنصر نامطلوبی" است، از چاپ آگهی خودداری می‌کند.

روز چهارشنبه ۲۶ اکتبر/۴ آبان گروهی از معلولین ارمنستان با ویلچرهای‌شان در خیابان‌های ایروان به تظاهرات پرداختند تا به مردم شهر و مسؤولین نشان دهند که بیش‌تر ساختمان‌های دولتی، وسائل حمل‌ونقل عمومی، و مراکز فرهنگی ایروان و سایر شهرهای ارمنستان فاقد تسهیلات لازم برای رفت‌وآمد معلولین هستند و این وضعیت دسترسی به بسیاری از امکانات شهری و عمومی را برای حدود ۴۰۰۰ نفر از شهروندان کشور که با تنها با ویلچر می‌توانند نقل مکان کنند غیرقابل دسترسی می‌سازد. تظاهرکنندگان از ایستگاه مترو میدان هانزاپوتیتون به سمت شهرداری ایروان حرکت کردند تا نامه حاوی خواست‌های خود را به شهردار ایروان بدهند. آن‌ها در نامه خود به بیانیه حقوق معلولین سازمان ملل ارجاع داده‌اند که جمهوری ارمنستان از سال ۲۰۱۰ رسماً به عضویت آن در آمده است.

بازگشت روبرت کوچاریان؟



روبرت کوچاریان، رئیس‌جمهور قبلی ارمنستان، بالاخره لب به سخن گشود و در مصاحبه با سایت خبری مدیامکس اعلام کرد که بازگشت خود را به سیاست بزرگ بعید نمی‌داند. وی سه مسأله را که احتمالاً باعث انگیزه وی به عرصه سیاست خواهد شد چنین برشمرده است:

۱- عدم بهبود رفاه انسانی و وضعیت اقتصادی پایدار و قابل توجه و همچنین احساسات منکوب شده در کشور و رشد میزان مهاجرت به خارج از کشور.

۲- تقاضای قشرهای مختلف جامعه برای بازگشت من به سیاست بزرگ.

۳- اعتقاد درونی من در این خصوص این است که می‌توانم به طور اساسی به وضعیت بهبود بخشم.

اگرچه کوچاریان در ابتدای امر با شک و تردید برای بازگشت به سیاست سخن به میان می‌آورد اما شروطی که وی برای بازگشت خود به عرصه قدرت عنوان کرده بسیار جدی و قاطعانه است و چنین اظهاراتی بیش‌تر شبیه اظهارات افراد

اپوزیسیون و مخالف دولت کنونی است تا یک نفر هم حزبی.

صحبت‌ها و موضع‌گیری کوچاریان برای کاندیدا شدن ریاست جمهوری نشان می‌دهد که وی مایل است خود را برای مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۳ آماده نماید. اما مسأله اصلی این است که آیا حزبی یعنی حزب جمهوری‌خواه از وی حمایت خواهد کرد یا نه؟ در جواب باید گفت تا کنون این حزب موضع رسمی و شفافی در این باره ارائه نکرده است، که البته این امر از یک طرف به پیچیدگی‌های مسایل سیاسی و مبارزات انتخاباتی مربوط می‌شود و از طرفی دیگر به مایل نبودن حزب جمهوری‌خواه به بازگشت روبرت کوچاریان.

می‌توان گفت که در میان صحبت‌ها و موضع‌گیری‌های بعضی از اعضای حزب جمهوری‌خواه و حتی خود سرژ سارکسیان نوعی عدم علاقه به بازگشت کوچاریان به عرصه قدرت احساس می‌شود و شاید بتوان گفت که پذیرفتن پیشنهاد کنگره ملی از سوی سارکسیان جهت

رسیدگی به پرونده کسانی که در قتل‌های یکم مارس ۲۰۰۸ نقش داشته‌اند تا حدودی برای بدنام کردن کوچاریان بوده است زیرا بیش‌تر افکار عمومی و اسنادی که از ویکی‌لیکس منتشر شده است، کوچاریان را مسؤول آن حوادث می‌داند.

برخی از افراد و احزاب اپوزیسیون بر این باورند که در صورت کاندیدا شدن کوچاریان برای انتخابات ریاست جمهوری، احزابی همانند *ارمنستان شکوفا* و *دانشناسوتیون* از وی حمایت خواهند کرد. به علاوه آنان معتقدند که پیروزی ولادیمیر پوتین در روسیه بر انتخاب و پیروز شدن کوچاریان در ارمنستان تأثیر خواهد گذاشت.

لازم به ذکر است که کوچاریان سائیتی را راه‌اندازی کرده که فعالیت‌ها و کارهای ده‌ساله دوران ریاست جمهوری وی را منعکس کرده است و از قشرهای مختلفی از مردم مصاحبه کرده که از بازگشت کوچاریان به قدرت حمایت کرده‌اند.

گزارش نشست تخصصی مناسبات ایران و ارمنستان در بنیاد مطالعات قفقاز

هم هستند. ۲- ایرانی ها و ارمنی ها هم نژاد هستند و اشتراکات فرهنگی و زبانی زیادی با هم دارند به طوری که ۱۴۰۰ ریشه لغوی زبان فارسی در زبان ارمنی موجود است. ۳- ارمنیان ایران برای روابط دو کشور پشتوانه خوبی هستند و در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی ورزشی برای پیشرفت ایران تلاش می کنند. ۴-

برخورد خوب ایرانیان با ارمنیان غربی (ارمنیان ترکیه) هنگام پناهنده شده آنان در سال های جنگ جهانی اول و قتل عام ارمنیان. ۵- داشتن دشمن مشترک در طول تاریخ که باعث شده پیروزی یکی از این دو کشور پیروزی دیگری به حساب بیاید و اکنون نیز عدم صلح و ثبات در ایران به طور مستقیم بر ارمنستان تأثیر می گذارد و برعکس. ۶- نقش جغرافیای دو کشور به عنوان گذرگاهی برای همدیگر. ۷- تفاوت دینی میان دو کشور نه تنها مشکلی را به وجود نیاورده بلکه برای ایران اسلامی فرصتی برای نشان دادن تحمل گرایی و الگوی گفت و گوی تمدن ها و رد فرضیه برخورد تمدن هاست و ارمنستان نیز ثابت کرده است که داشتن مشکلات با بعضی از همسایگان به هیچ وجه جنبه مذهبی ندارد. این موارد باعث تقویت بیش از پیش روابط دو جانبه شده است.»

وی همچنین به دو خبر مهم اشاره کرد: «یکی این که سفارت ارمنستان اکنون گزارشی از روابط بیست ساله ایران و ارمنستان را به زبان ارمنی آماده کرده است که در آغاز سال ۲۰۱۲ به مناسبت بیستمین سالگرد روابط دو جانبه به چاپ خواهد رساند، و دیگر این که رئیس دانشگاه ایروان در ملاقات با رئیس دانشگاه تهران پیشنهاد داده اند تا در دانشکده الهیات ایروان، کرسی اسلام شناسی تأسیس شود.»

سفیر فوق العاده و تام الاختیار ارمنستان در ایران در جواب به سؤال دکتر حق پناه راجع

فروردین ۱۳۸۸ که طی آن ۸ سند همکاری به امضا رسیده است از جناب سفیر خواست تا توضیحاتی راجع به کارها و اقدامات انجام شده در این باره ارائه کند و به علاوه به موانع و مشکلاتی که بر سر راه افزایش حجم مبادلات تجاری و گردشگری وجود دارد، بپردازند.

لازم به یادآوری است که اسناد امضا شده در سفر سرکیسیان به ایران در تاریخ فوق الذکر عبارت اند از:

- ۱- یادداشت تفاهم همکاری های حمل و نقل ریلی
- ۲- یادداشت تفاهم همکاری در خصوص سرمایه گذاری برای احداث نیروگاه برق آبی ارس
- ۳- یادداشت تفاهم برقراری رژیم تجارت آزاد
- ۴- یادداشت تفاهم همکاری در زمینه انرژی
- ۵- قرارداد همکاری در زمینه نظارت بانکی
- ۶- مشارکت نامه احداث خط لوله انتقال فرآورده های نفتی
- ۷- برنامه همکاری در زمینه بیمه
- ۸- سند بانک توسعه صادرات

گریگور آراکلیان، در ابتدای سخنان خود با اشاره به روابط دو کشور اظهار کرد: «روابط خوب ارمنیان و ایرانیان به دلایل زیر است:

۱- این دو ملت در طول تاریخ با هم بوده اند و اکنون نیز به عنوان دو کشور همسایه هنوز در کنار

این نشست در روز یکشنبه ۱۱ آبان به مناسبت ۲۰ سال روابط سیاسی، اقتصادی، تجاری و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری ارمنستان، با حضور گریگور آراکلیان، سفیر فوق العاده و تام الاختیار ارمنستان در ایران، جناب آقای دکتر محمدجعفر حق پناه و همچنین جمعی از کارشناسان و دانشجویان حوزه مطالعات قفقاز در بنیاد مطالعات قفقاز برگزار شد.

در ابتدای جلسه مسؤول میز ارمنستان در بنیاد مطالعات قفقاز، توضیح کوتاهی درباره سطح مناسبات اقتصادی سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان در طی ۲۰ سال اخیر ارائه کرد و سپس آقای دکتر حق پناه اشاره کرد: «امنیت هر کشور و همسایه گانش بر روی هم و بر کل منطقه تأثیر می گذارد و رابطه ایران و ارمنستان نیز در همین چهارچوب تعریف می شود. طی این دو دهه سطح مناسبات در تمامی زمینه ها رو به رشد بوده است و این روند باعث شد تا در سال ۲۰۱۰ حجم مبادلات میان دو کشور به مرز ۲۷۰ میلیون دلار برسد. اما این امر انتظارات ما را برآورده نمی کند و ما امیدواریم سطح مناسبات خود را در تمامی زمینه ها تا مرز سه برابر افزایش دهیم هرچند برای تحقق این امر با مشکلات و موانعی هم روبه رو هستیم، مشکلاتی مانند عضو سازمان تجارت جهانی نبودن ایران و تعرفه های گمرکی سنگین.» وی همچنین با اشاره به سفر سرژ سرکیسیان، رئیس جمهور ارمنستان، در ۲۴

به طرح‌های انجام شده اشاره کرد: «در طی ۲۰ سال گذشته پروژه‌های مهمی انجام شده که روند روابط دو طرف را برگشت‌ناپذیر کرده است همانند: احداث خط لوله انتقال فرآورده‌های نفتی، احداث خط سوم انتقال برق و همچنین نیروگاه برق آبی مقری و غیره است. به‌علاوه تلاش برای احداث خط راه‌آهن ایران - ارمنستان که اکنون در دست اقدام است و مطالعات اولیه آن انجام شده (این پروژه به حدود ۱/۵ تا ۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد) تحول عظیمی در

ایران ببینند. هرچند دو طرف تصمیم‌های برای لغو روادید گرفته‌اند اما تا حالا عملی نشده است.»
سؤال: «روابط ایران و ارمنستان در طی دو دهه بسیار خوب بوده اما در بعضی برهه‌ها وقایعی رخ داده و تا حدودی روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است به علاوه سیاست موازنه‌ای که ارمنستان بر مبنای آن روابط خارجی خودش را تنظیم می‌کند و همزمان با ایران با اروپا، آمریکا و اتحادیه اروپا در ارتباط است آیا ممکن است روابط دو جانبه را با چالش روبه‌رو کند؟



روابط دو طرف و حتی کل منطقه به وجود خواهد آورد.»

گریگور آراکلیان در بحث پیرامون تجارت و گردشگری و مشکلات آن عنوان کرد: «دروازه‌های ارمنستان به روی تاجران و گردشگران ایرانی باز است و اکنون بیش از پانصد شرکت ایرانی در ارمنستان فعال هستند و ایرانیان برای ثبت شرکت خود در ارمنستان هیچ مشکلی ندارند و در زمینه‌ی گردشگری نیز ایرانیان حتی با وسایل شخصی و با پرداخت حدود ۸ دلار می‌توانند وارد ارمنستان شوند. اما در ایران وضع به گونه‌ای دیگر است و قانون حمایت از تولیدکنندگان داخلی باعث شده است تا هیچ شرکت ارمنستانی در ایران فعال نباشد و یا در صورت تمایل تاجران و شرکت‌های ارمنستان برای سرمایه‌گذاری در ایران با قوانین دست‌وپاگیر مواجه شوند. همچنین ارمنیان ارمنستان برای گردشگری در ایران تنها در ساعات‌های کاری و روزهای غیر تعطیل و پرداخت هزینه‌ای حدود ده برابر آنچه که گردشگران ایرانی پرداخت می‌کنند، می‌توانند به

آراکلیان: «در طی دو دهه ما علاوه بر مناسبات با ایران در انتخاب همسایگان و همکاری خود نیز دقت به خرج داده‌ایم و درعین حال که با اروپا، آمریکا و روسیه ارتباط داریم هیچ وقت از همسایگی و دوستی با ایران غافل نبوده‌ایم و هر مقامی هم که در ارمنستان سرکار بیاید نمی‌تواند ایران را نادیده بگیرد و همه احزاب معترف به رابطه با ایران هستند به علاوه مقامات ارمنستان در سطوح عالی اعلام کرده‌اند که هر خطری متوجه ایران باشد بر روی ارمنستان تأثیر می‌گذارد.»

سؤال: تحریم‌های امریکا علیه ایران چه تأثیری مثبت یا منفی بر روابط ایران و ارمنستان می‌گذارد؟ آیا ارمنستان می‌تواند مفری برای ایران از تحریم‌ها باشد؟

آراکلیان: «ما مخالف این هستیم که برخلاف قوانین و عرف بین‌الملل عمل کنیم اما فرصت‌های هست که ارمنستان می‌تواند از آن استفاده کند ولی خود ارمنستان نیز گرفتار تحریم‌ها و محاصره است و خیلی از مرزهایش باز نیستند. اگر ایران از

این تحریم‌ها ضرر ببیند ارمنستان نیز ضرر خواهد دید.»

سؤال: راه‌آهن ایران و ارمنستان در چه وضعیت و مرحله‌ای است و کی به اتمام خواهد رسید؟

آراکلیان: «قرار بر این است که هم ایران و هم ارمنستان کارهای مربوط به ساخت راه‌آهن را در قسمت‌های خود به انجام برسانند و مطالعات اولیه نیز انجام گرفته است. اما مسیر راه‌آهنی که از ارمنستان می‌گذرد بسیار صعب‌العبور است و نیاز به سرمایه‌گذاری دارد ولی بعضی از کشورها برای سرمایه‌گذاری در این پروژه اعلام آمادگی کرده‌اند.»

سؤال: با این که ترکیه مرز خود را با ارمنستان بسته است اما این کشور جایگاه خوبی در بازارهای ارمنستان دارد و حجم مبادلات تجاری‌اش تقریباً با ایران برابر است. علت این امر را شما در چه چیزی می‌بینید؟

آراکلیان: «بعد از استقلال ارمنستان و به دلایل مشکلات اقتصادی برخی از تجار ایرانی سودجو کالاهای تاریخ مصرف گذشته را به ارمنستان آوردند و باعث شد تا ذهنیت ارمنی‌ها نسبت به کالاهای ایرانی خراب شود و اکنون نیز همان ذهنیت در میان بسیاری از ارمنیان باقی مانده است و ترجیح می‌دهند تا در درجه‌ی اول کالاهای کشورهای دیگر را مصرف کنند.»

سؤال: شما چشم‌انداز حل مناقشه‌ی قره‌باغ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آراکلیان: «مناقشه‌ی قره‌باغ موضوعی مشکل‌آفرین برای اقتصاد دو کشور ارمنستان و آذربایجان بوده و هست. اکنون قره‌باغ نمی‌تواند به شرایطی که قبل از فروپاشی داشت، برگردد و در چهارچوب جمهوری آذربایجان باشد. در زمان اتحاد جماهیر شوروی هم قره‌باغ یکی از استان‌های خودمختار بود. این مسأله نشان می‌دهد که این منطقه دارای وضعیت خاصی بوده و خود این امر به خیلی از سؤالات جواب می‌دهد. مردم قره‌باغ بالاخره توانستند مشکل خود را حل کنند و مستقل شوند و امروزه مسأله حق تعیین سرنوشت ملت‌ها مسأله‌ی بسیار مهمی است که در تمام دنیا برای آن ارزش قائل می‌شوند، چرا باید این مورد درباره‌ی قره‌باغ صدق نکند؟»

سؤال: جمهوری آذربایجان اظهار می‌کند که ارمنستان آثار اسلامی و مساجد را از میان می‌برد. آیا این روند ادامه دارد؟

آراکلیان: «ارمنستان همیشه نسبت به سایر ادیان احترام خاصی قابل بوده است و از همان ابتدای استقلال نسبت به آثار اسلامی با احتیاط

برخورد می‌کرده. نمونه‌ی بارز، مسجد کبود در دل ایروان است که با هماهنگی دولت ارمنستان و به کمک معماران ایرانی بازسازی شد و همچنین بازسازی یک مسجد هم در قره‌باغ آغاز شد. در زمان شوروی نه تنها معابد و مساجد بلکه کلیساها نیز نابود و یا آسیب دیدند و امروزه در ارمنستان

مناقشه قره‌باغ را حل کند؟
آراکلیان: ما قرارداد بلندمدت نظامی با روسیه داریم. روسیه از مرزهای ما محافظت می‌کند و اگر مسأله‌ای باشد ما با روس‌ها آن را حل می‌کنیم. این که می‌گویید اگر روس‌ها بخواهند مناقشه قره‌باغ را حل می‌کنند، باید بگویم که این نظر

حتی به آفریقا فعال هستیم و به طور کل تجارت ما تجارت با اشیای کم حجم و به صورت هوایی است. مؤسساتی که بیش از ۱۰ میلیون دلار در ارمنستان سرمایه‌گذاری می‌کنند از امتیازات خوبی بهره‌مند می‌شوند.
لازم به ذکر است که سفیر فوق‌العاده و



وضع عوض شده است و این کشور نه تنها به کلیساهای خود بلکه به آثار اسلامی ایران در ارمنستان نیز توجه می‌کند».

سؤال: در ارمنستان بسیاری از فرقه‌ها مخصوصاً شاهدان یهوه آزادی زیادی دارند. آیا این مسأله تهدیدی علیه امنیت ملی ارمنستان به حساب نمی‌آید؟

آراکلیان: «بله این مسأله متوجه ارمنستان و امنیت این کشور نیز است و این امر یکی از ره‌آورد‌های ارمنستان برای همگرایی با ساختار اروپاست که در این کشور باید آزادی اندیشه وجود داشته باشد. اما باید گفت در ارمنستان هیچ خطری برای تغییر دین برای هیچ‌کسی وجود ندارد زیرا لازمه تغییر دین به مسیحی‌گریگوری، دین ارمنیان جهان، این است که فرد در درجه اول باید خودش ارمنی باشد. به عبارت دیگر در کلیسای ارمنی فعالیت تبشیری وجود ندارد».

سؤال: آیا فکر نمی‌کنید وجود پایگاه نظامی روسیه در گیومری مناقشه قره‌باغ را تشدید می‌کند؟ و این که آیا اگر روسیه بخواهد نمی‌تواند

شخصی شماست. روس‌ها در حال حاضر در پی حل مسأله‌آمیز مسأله هستند.

سؤال: علت کمی شناخت مردم ارمنستان از ایران چیست؟

آراکلیان: مردم عامی به علت سلطه شوروی در سال‌های گذشته و کنترل شدید و این که تنها راه ارتباط ایران و ارمنستان از مسکو بوده، سیاست‌های دیکنه شده مسکو را پذیرفته‌اند و مدتی طول می‌کشید تا واقعیت ایران را درک کنند. اما هم اکنون روابط در حال بهبودی است.

سؤال: وضعیت اقتصادی و جمعیتی در ارمنستان چگونه است؟ و آیا ارمنستان دکتترین خاصی در بلندمدت دارد؟

آراکلیان: ارمنستان پیشرفت‌های خوبی داشته است و استراتژی بلندمدت ارمنستان مشخص است و اسناد آن موجود است و محرمانه هم نیست. ارمنستان اقتصاد لیبرالی دارد. در سال‌های گذشته ما رشد منفی هم داشته‌ایم ولی امسال ۴ درصد رشد داشته‌ایم. ما در زمینه تولید نرم‌افزار رایانه‌ای صادرات خوبی داریم. همچنین در تجارت الماس

تام‌الاختیار ارمنستان در ایران از پاسخ به پرسش‌هایی که به نقش ایران در مناقشه قره‌باغ مربوط می‌شد خودداری کردند به این دلیل که تا حدودی در چهارچوب این نشست نبود و قبلاً موضع‌گیری ایشان درباره‌ی چگونگی نقش ایران در مناقشه‌ی قره‌باغ در بنیاد مطالعات قفقاز به دلیل عدم ترجمه‌ی صحیح آن در مطبوعات ارمنستان مشکلاتی را برای وی به وجود آورده بود.

جشن دوازدهمین سالگرد جلوس گارگین دوم بر تخت رهبری دینی ارمنه جهان

۱۹۷۹ و در همین مدت زعامت جامعه ارمنه آلمان را به عهده گرفته است. در سال ۱۹۹۲ بعد از طی مدارج روحانی به مقام اسقف اعظمی نائل شده و در سال ۱۹۹۹ بعد از وفات گارگین اول، رهبر کلیسای رسولی ارمنی، به جای او به عنوان اسقف ارمنه سراسر جهان برگزیده شد. در جشن‌هایی که به مناسبت دوازدهمین سالگرد جلوس گارگین دوم در اجمیادزین برگزار شد، از جامعه ارمنه ایران، لئون آهارونیان، نیکوکار به‌نام، مدیر عامل شرکت حمل و نقل بین‌المللی ساتی و صاحب امتیاز دوهفته‌نامه هویس به دعوت رسمی اجمیادزین در مراسم حضور داشتند و تابلویی نفیس از چهره گارگین دوم را به رسم هدیه به رهبر دینی ارمنه جهان تقدیم کردند.

دست‌گیرگور لوساوریچ قدیس بنا شد. در طول سده‌های متمادی بخش‌های جدیدی به کلیسا افزوده شده و بخشی از قسمت‌های آن مرمت شده، اما ساختار اصلی آن به همان شکل اولیه حفظ شده است. در کنار کلیسا موزه‌ای نیز دایر است که آثار هنری، مینیاتور، دست‌نوشته‌های کتاب مقدس، انواع فرش و نقاشی و مجموعه‌های سکه‌های قدیمی در آن نگاهداری می‌شوند. اسقف اعظم گارگین دوم در سال ۱۹۵۱ در یکی از روستاهای استان آرماویر ارمنستان به دنیا آمد و در سال ۱۹۶۵ به شاگردی مدرسه دینی گورگیان که جزئی از مجتمع اجمیادزین است پذیرفته شد. در سال ۱۹۷۲ تحصیلات خود را در رشته الهیات در دانشگاه‌های وین و بُن ادامه داد و در سال

کلیسای جامع اجمیادزین مقر کلیسای رسولی ارمنی، در شهر اجمیادزین در ۱۸ کیلومتری غرب ایروان واقع شده است. ارمنستان نخستین دولتی بود که در سال ۳۰۱ میلادی در زمان تیرداد سوم، مسیحیت را به عنوان دین رسمی کشور پذیرفت. اسقف اعظم ارمنه سراسر جهان، گارگین دوم در ۴ نوامبر سال ۱۹۹۹ بر تخت رهبری کلیسای رسولی ارمنی در اجمیادزین جلوس کرد و امسال دوازدهمین سالگرد انتخاب ایشان به این مقام با شکوه بسیار در اجمیادزین جشن گرفته شد. در این جشن رئیس‌جمهور ارمنستان سرژ سرکیسیان نیز شرکت کرده بود. کلیسای اجمیادزین در سال ۳۰۳ بلافاصله پس از پذیرش مسیحیت توسط پادشاه ارمنستان به







نقاشان معاصر ارمنی گارزو (گارنیک زولومیان)



یکی از چهره‌های ماندگار هنر معاصر فرانسه است. او در سال ۱۹۰۷ در شهر حلب سوریه متولد شد. پدرش عکاس بود و او از کارگاه عکاسی او شاهد به حوادث دهشناک کشتار ارمنه بود. بعد از مرگ پدر با خواهرش به قاهره رفت و سپس برای تحصیل هنر عازم پاریس و از سال ۱۹۲۴ در همان جا مستقر شد. در سال ۱۹۵۳ با نمایشگاه آثار نقاشی خود به نام چشم‌اندازهای ونیزی و با طراحی صحنه باله ژیزل در اپرای پاریس، به شهرت رسید. بعد از آن، نمایشگاه‌ها و کارهای طراحی صحنه او یکی بعد از دیگری شهرت او را تثبیت کرد. علاوه بر این، به خلق لیتوگراف و تصویرسازی کتاب نیز پرداخت. در سال ۱۹۷۸ به عضویت آکادمی هنر فرانسه پذیرفته شد. خطوط ظریف و پراثری گارزو اصلی‌ترین وسیله بیان او هستند. در ترکیبی از این خطوط دنیایی اثیری خلق

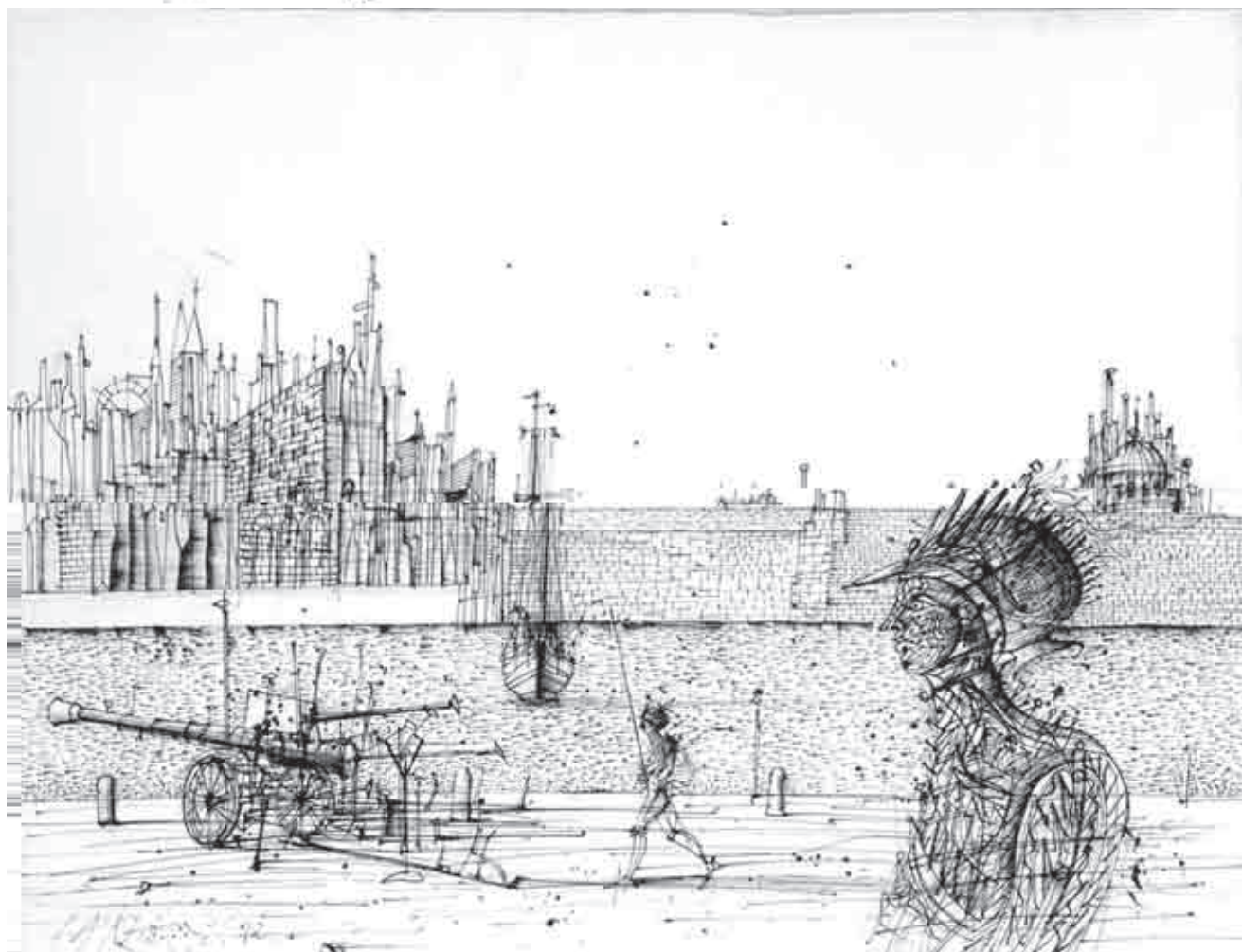


می‌شود که دریافت او از زیبایی طبیعت و چشم‌اندازهای انسان‌ساخته را در خود منعکس می‌کند. خیال‌پردازی و واقعیت در آثار او در ترکیب بدیعی با هم تلفیق شده‌اند. در عین حال، فضایی تیره و پر تنش آثار او را فرا گرفته است که می‌توان آن را به خاطرات کشتار نیاکانش در امپراتوری عثمانی نسبت داد که گارزو در کودکی خود تجربه کرده بود.

او روابط خود را با وطنش ارمنستان حفظ کرد و در میان مردم آن خطه نیز مشهور بود. در سال ۱۹۸۳ نمایشگاه بزرگ آثار او در ایروان برگزار شد و در سال ۱۹۸۴ جایزه مارتیروس ساریان به او اهدا گردید.

در سال ۱۹۹۱ نمایشگاه دائمی آثار او در شهر ماسونک فرانسه در یک کلیسای کوچک آغاز به کار کرد. جز او، تنها سه تن از نقاشان فرانسوی، ماتیس، شاگال و ژاک کوستو، این افتخار را داشته‌اند که موزه‌های دائمی از این دست داشته باشند.

گارزو در ۲۲ آگوست سال ۲۰۰۰ در پاریس درگذشت.



عوامل بی‌ثباتی در قفقاز و رویکردهای امنیتی (قسمت دوم)



نهادهای مدنی به دلیل ایفای نقش واسطه‌ای، موجب کاهش و یا از بین رفتن شکاف میان مردم و نظام سیاسی می‌شوند. نهادهای مدنی کار، که به خوبی قادر به انتقال تقاضا از پایین به بالا باشند و نقش مؤثری را در جهت‌دهی و همسوسازی این تقاضاها ایفا کنند، عناصر تعیین‌کننده‌ای در کنترل نظام‌های سیاسی و همچنین جلوگیری از کاربرد ابزارهای غیرقانونی برای بیان تقاضاها از سوی مردم خواهند بود. در منطقه قفقاز، طی یک دهه گذشته به دلیل سیطره نگرش‌های قومی و وجود تفکرات دوران کمونیستی میان مسئولین این کشورها و عدم تمایل دولت‌های محلی، نهادهای مدنی مانند احزاب و سازمان‌های غیردولتی هنوز نتوانسته‌اند به رشد و بلوغ لازم دست پیدا کنند. در اغلب موارد در قفقاز، نهادهای مدنی قادر به شکستن مرزهای قومی نیستند. نهادهای مدنی کارکردهای قومی دارند و حوزه گسترش آن‌ها از مرزهای یک قومیت مشخص و یا حتی در برخی موارد از یک حوزه جغرافیایی مشخص (مانند نخجوانی‌ها) فراتر نمی‌رود. این دسته از نهادهای مدنی نه تنها واسطه‌ای در جهت برقراری ثبات و امنیت نیستند، بلکه در مواردی خود به عاملی برای گسترش اختلافات و بی‌ثباتی تبدیل می‌شوند.

در این بخش نقش برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یا درون قفقاز به‌طور مختصر مورد تحلیل قرار گرفته‌است، اما نقش جمهوری اسلامی ایران در قفقاز نیازمند مقاله‌ای مستقل است و در این مبحث به آن نمی‌پردازیم.

رویکرد روسیه به قفقاز:

روسیه همواره یک قدرت سرزمینی بوده است و از هنگامی که در قرن ۱۵، دولتی متمرکز پیدا کرد، تسلط بر منطقه‌ی پیرامونی را به عنوان یکی از اهداف خود تعیین نمود. شرایط ژئوپلیتیک روسیه، نبود قدرت‌های هم‌تراز در منطقه و ضعف قدرت‌های محلی، همه از وجوه بارز تمایل به توسعه طلبی ارضی از طرف روسیه بوده است. انتقال به دوران شوروی، در ارتباط با حوزه سیاست پیرامونی روسیه، تنها یک تغییر شکل

پیدا کرد، اما روس‌ها در پی ایجاد تکیه‌گاهی برای توجه به جنوب و ایران و به طرف غرب و تنگه‌های بسفر و داردانل بودند. این دو سیاست، در تمام سال‌های قرن نوزدهم، از دل مشغولی‌های بنیادین رهبران روسیه و دستگاه تزاری بود. این سیاست با تغییر رژیم در روسیه دگرگون نشد. در دوران حکومت شوروی، قفقاز با تمامی تاریخ پرفراز و نشیب خود، همچنان در سیاست دو سویه این کشور به جانب ترکیه و ایران از اهمیت زیادی برخوردار بود.

پس از فروپاشی شوروی نیز این اهمیت بنیادین و استراتژیک همچنان نسبت به قفقاز حفظ شد و روس‌ها که وام‌دار یک اندیشه تاریخی و استراتژیک در قبال این منطقه بودند، نتوانستند از سیره گذشتگان دست بردارند. تحولات سیاسی پس از فروپاشی نشان نمی‌دهد که در اولویت‌های سیاستمداران مسکو در نگرش به قفقاز تغییراتی ایجاد شده باشد. هر چند که راه‌بردهای کلاسیک، ثمردهی و کارایی ندارند. روس‌ها، در طی تاریخ خود، بسیار دیر خود را با مفاهیم سازگار می‌کنند، اما گاه شدت تحولات ممکن است آن‌ها را به پذیرش واقعیت‌ها ناچار سازد.

یکی از بحث‌های مطرح در روسیه پس از فروپاشی، طرح عرصه منافع امنیت در حوزه شوروی سابق است. در سال ۱۹۹۲ استراتژی

در برداشت. روسیه شوروی به سرعت دریافت که جمهوری‌های پیرامونی از اهمیت بالایی در سیاست این کشور برخوردارند. از حوزه امنیتی و استراتژیک، رسوخ به این جمهوری‌ها از سوی قدرت‌های رقیب و دشمن، تهاجم علیه روسیه تلقی می‌شد و تجربه سه سال پس از پیروزی انقلاب اکتبر، این امر را برای روس‌ها به اثبات رسانده بود. همین نگرش نسبت به قفقاز با حساسیت بیش‌تری دنبال می‌شد.

قفقاز، محل اتصال و برخورد و چالش قدرت‌های متعدد رقیب بود. از این رو مسکو همواره برای این منطقه که از یک سو محل تلاقی منافع آن با ایران و از سوی دیگر با ترکیه و سایر قدرت‌های بزرگ اروپا بود، اهمیت زیادی قائل بوده است. از هنگامی که امپراطوری روسیه استراتژی ماوراء قفقاز خود را اعمال نمود بیش از دو قرن می‌گذرد. پس از تسلط بر قفقاز، روسیه به دو هدف مهم دست یافت؛ اولاً در مرکز اتصال دولت‌های اسلامی منطقه یک تکیه‌گاه برای تمدن مسیحی ایجاد شد، ثانیاً مرزهای جنوبی روسیه تحکیم گردید.

می‌توان از عنوان تکیه‌گاه تمدن مسیحی تعبیر رساتری کرد. اگر چه روسیه در جنگ‌های گذشته با شکست دادن ایران و عثمانی در این منطقه، به عنوان یک کشور مسیحی جایگاهی مناسب

جدید روسیه تدوین شد. در این استراتژی از حوزه جغرافیایی شوروی سابق به عنوان عرصه منافع امنیت ملی روسیه نام برده شده است. قفقاز نیز فرعی بر این استراتژی نیست، بلکه عینیت کامل آن است. بر اساس این استراتژی، آندره کوزیرف، وزیر امور خارجه فدراسیون روسیه، در دوران تصدی خود طی اظهاراتی در یکی از نشست‌های مربوط به بررسی سیاست خارجی روسیه می‌گوید: ما پس از فروپاشی، روبروی یک وظیفه یعنی ایجاد کمربندی از روابط حسن همجواری (کشورهای دوست) در طول مرزها قرار گرفته‌ایم. ما اگر خواهان حفظ جایگاه خود به عنوان یک قدرت درجه اول هستیم، به روابط درجه اولی نیز در داخل (جامعه کشورهای مشترک المنافع) نیاز داریم.

وظیفه‌ای که وزیر امور خارجه روسیه از آن سخن می‌گوید، حفظ یک جایگاه است. جایگاهی که شرایط ژئوپولیتیک برای روسیه طی قرن‌ها ایجاد کرده است. پیوند و ارتباط روسیه با کشورهای منطقه پیرامونی خود، همواره روابطی سخت و همراه با دشواری‌های فراوان، چه برای روسیه و چه برای کشورهای منطقه بوده است.^۱

قفقاز جزء عرصه منافع ژئوپولیتیک روسیه است. اقوام مقیم این منطقه در عمل در یک دولت - امپراطوری روسیه یا اتحاد شوروی - زندگی کرده‌اند. روسیه باید یگانگی سرنوشت آن‌ها را درک کند. روسیه نباید فراموش کند که اگر این منطقه را ترک کند، دیگران وارد این

منطقه خواهند شد، امری که بر امنیت روسیه نخواهد افزود.^۲ بنابراین به نظر می‌رسد با وجود کاستی‌هایی که سیاست روسیه در منطقه دچار آن شده است، که این خود معلول شرایط نوین و استقلال کشورهای جدید است، شرایطی فراهم شده است که کشورهای دیگر نیز به دنبال اهداف خود در قفقاز باشند. لذا در شرایط جدید روسیه تلاش می‌کند اگر نتواند تنها قدرت با نفوذ و تعیین کننده در قفقاز باشد لاقلاً جزء کشورهای با نفوذ و تأثیرگذار در منطقه به شمار رود.

:

ساختارهای داخلی جمهوری‌ها، پیوستگی و واحد بودن عرصه انرژی، حمل و نقل کالا و حضور محسوس زبان و فرهنگ روسی و نیز روس‌تبارها، مزیت‌هایی است که روس‌ها از آن برخوردارند. روس‌ها به چالش‌های سیاسی موجود در منطقه، با نگاهی بدبینانه می‌نگرند. این نگاه ضرورتاً حذفی نیست. یعنی روسیه در شرایط جدید نمی‌کوشد تا همه رقبا را از عرصه قفقاز حذف کند. رویداد و سیاستی مدنظر روس‌هاست که از جنبه‌های حذفی برخوردار نباشد. قدرت و یا نیرویی که به نحوی از انحاء بکوشد روسیه را در عرصه سیاسی و نهایتاً ژئوپولیتیک حذف کند، با مقاومت و واکنش روسیه روبرو خواهد شد و به دلیل میزان نفوذ و تأثیرگذاری آن، تلاش‌های او با مشکل مواجه خواهد شد. در روسیه نیز با توجه به جناح‌بندی‌های سیاسی

و سازمانی، در نگرش به قفقاز و پیشبرد سیاست‌های کلان این کشور تفاوت‌هایی وجود دارد. سیاستمداران نسل جدید و نظامیان با تفکر گذشته، صاحبان دو تفکری هستند که چه به لحاظ دیدگاه‌های سیاسی و چه نفوذ در مجموعه حکومت روسیه، در قفقاز بیش‌ترین تأثیرگذاری را دارند و حتی گه‌گاه بر خوردهای درون‌سامانه‌ای هم با یکدیگر داشته‌اند. نظامیان در پی اعاده موقعیت سابق ارتش سرخ در منطقه هستند اما سیاستمداران نسل جدید روسیه، خواهان تعامل بیش‌تر با غرب و کشورهای منطقه هستند و تلاش می‌کنند مسائل منطقه از طریق روش‌های سیاسی و دیپلماتیک حل و فصل شود. در راستای اعمال این سیاست است که ولادیمیر کازیمیروف، به عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهور (وی دستیار وزیر امور خارجه و مسوول قره‌باغ است) در مناقشه قره‌باغ به وسیله رئیس‌جمهور روسیه در ژانویه سال ۱۹۹۴ منصوب شد و مسوولین وزارت امور خارجه روسیه و شخص وزیر خارجه در حل و فصل مناقشه تاجیکستان حضور فعال داشتند. در واقع، وزارت امور خارجه عهده‌دار اجرا و هدایت سیاست روسیه در مسأله قره‌باغ شد.

با گذشت زمان از نفوذ روسیه در منطقه کاسته می‌شود. نقطه اوج این تحولات پس از ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان بود که با نرمش بیش از حد رئیس‌جمهور روسیه، آقای پوتین، مواجه شد و در نتیجه‌ی آن، حضور و نفوذ نیروهای نظامی آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز افزایش یافت. تحولات داخلی در آذربایجان و گرجستان و عکس‌العمل مقامات روسیه نسبت به آن در این راستا قابل تحلیل هستند. این تحولات جدید زمینه را برای گسترش ناتو به شرق نیز فراهم کرده‌اند.

منبع: سایت مرکز هم‌اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- محمود واعظی، میانجی‌گری جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، پیشین، فصل دوم.
- ۲- روزنامه ستاره سرخ، مصاحبه رمضان عبدالطیف‌اف (معاون شورای فدراسیون روسیه) ۲۰ آوریل ۱۹۹۴.

